View the original article

ایران

حوثی‌های قدرتمندتر، ایران نیازمندتر؛ رابطهٔ دو متحد چگونه تغییر کرده است؟

سعید جعفری

۲۹/آبان/۱۴۰۵



نیروهای حوثی یمن پس از تصرف «ذو باب» در نزدیکی تنگهٔ باب‌المندب، به دنبال خروج نیروهای دولتی تحت حمایت عربستان سعودی

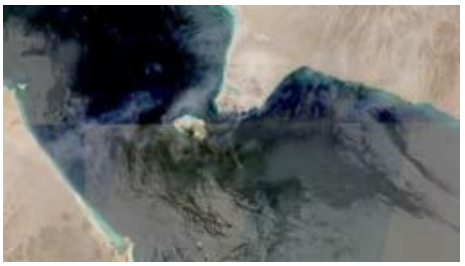
برای حکومتی در تهران که متحدانش در لبنان و سوریه ضربه‌های سنگینی خورده‌اند، خبرهای یمن می‌تواند امیدوارکننده باشد. گروهی که سال‌ها مورد حمایت گسترده ایران قرار گرفته، در حال گسترش قلمرو خود است، عربستان را مورد حمله قرار می‌دهد و می‌تواند در نزدیکی باب‌المندب، کشتیرانی را تهدید کند. با این حال، رهبران حوثی در جریان این پیشروی‌ها، آینده‌ای برای خود و یمن در نظر دارند که ممکن است در همهٔ جزئیات با خواسته‌های تهران یکی نباشد.

در روزهای اخیر، عقب‌نشینی نیروهای دولت یمن از اطراف باب‌المندب برای دفاع از عدن، نگرانی از گسترش جنگ را بیشتر کرده است. عربستان نیز، خود را برای ادامهٔ درگیری در سال آینده آماده می‌کند. در

چنین شرایطی، سرنوشت جبههٔ یمن ممکن است حتی در صورت پیشرفت مذاکرات ایران و آمریکا همچنان به خواسته‌های رهبران حوثی وابسته بماند.

حوثی‌ها یکی از مجموعه گروه‌های شبه نظامی متحد جمهوری اسلامی در منطقه که از آن تحت عنوان «محور مقاومت» یاد می‌کنند، به شمار می‌روند. اما رابطه بین ایران و این گروه چگونه قابل تفسیر است؟ آیا آن‌طور که بسیاری تصور می‌کنند، این گروه یمنی در برابر دریافت سلاح و پول، دستور حامی خارجی را اجرا می‌کنند یا این‌که حوثی‌ها در میان متحدان جمهوری اسلامی از خودمختاری بالاتری برخوردار هستند؟

بیشتر در این باره:



تنگه‌ای باریک، بحرانی بزرگ؛ چرا باب‌المندب اهمیت حیاتی دارد؟

اختیاری که با دریافت کمک از ایران از میان نرفته است

زمانی که ایران حمایت از حوثی‌ها را گسترش داد، با گروهی طرف بود که سابقهٔ جنگ با حکومت یمن و مناسبات خاص خود با نیروها و قبایل محلی را داشت. پس از تصرف صنعا نیز ادارهٔ مناطق پرجمعیت، دریافت مالیات و درآمدهای گمرکی، امکانات بیشتری در اختیار رهبران این گروه گذاشت تا برای حفظ قدرت، صرفاً به کمک خارجی متکی نباشند.

حمیدرضا عزیزی، تحلیلگر ارشد ایران در گروه بین‌المللی بحران، در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید: «حوثی‌ها در شبکهٔ گروه‌های مورد حمایت ایران، در کنار حماس، جزو بازیگرانی هستند که بیشترین خودمختاری راهبردی را از ایران دارند؛ به‌ویژه در چارچوب تعاملات محلی و داخلی در یمن، از انتخاب اهداف گرفته تا شبکهٔ فرماندهی و فعالیت‌های نظامی. هرچند این اتحاد، به‌ویژه در بحث مالی و فناوری تسلیحاتی، نامتقارن است و ایران بازیگر قوی‌تر است اما نامتقارن بودن یک اتحاد به معنای وجود یک رابطهٔ نیابتی نیست».

در نتیجه شاید باید نفوذ تهران را در تصمیم‌هایی جست‌وجو کرد که رهبران حوثی با در نظر گرفتن حمایت ایران می‌گیرند. به عبارت دیگر هرچند نیاز به تسلیحات، آموزش و فناوری می‌تواند بر انتخاب‌های «جنبش انصارالله» اثر بگذارد، اما ادارهٔ مناطق تحت کنترل و تعیین مناسبات با دیگر نیروهای یمنی، به محاسباتی وابسته است که در خود یمن شکل می‌گیرد.

میساء شجاع‌الدین، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات صنعا، نیز معتقد است رابطه بین جمهوری اسلامی و حوثی‌ها فرمان‌بردار نیست و باید آن را بیشتر یک «اتحاد» توصیف کرد.

این تحلیلگر یمنی مستقر در بحرین در این خصوص به رادیو فردا می‌گوید: «آن‌ها جهان‌بینی و اهداف مشترکی دربارهٔ منطقه و جهان دارند. ایران برای حوثی‌ها الگویی است که می‌خواهند از آن پیروی کنند، اما خودشان اختیار عمل دارند و ایرانی‌ها معمولاً در مسائل داخلی‌شان دخالت نمی‌کنند. در تصمیم‌های جنگ و صلح، ایران نفوذ زیادی دارد؛ موضوع دستور دادن نیست، اما می‌تواند از راه‌های مختلف بر تصمیم‌های آن‌ها اثر بگذارد».

به گفتهٔ او، عبدالملک حوثی تصمیم نهایی را پس از مشورت با حلقهٔ نزدیک خود می‌گیرد که بسیاری از اعضای آن فرماندهانی آموزش‌دیده در ایران هستند. تهران از طریق ارتباط با همین افراد و پشتیبانی نظامی از گروه، امکان اثرگذاری بر تصمیم‌ها را دارد؛ به‌ویژه زمانی که رهبران حوثی برای ادامهٔ یک درگیری به سلاح و تجهیزات بیشتری نیاز پیدا می‌کنند.



بیشتر در این باره:

چه گروه‌ها و کشورهایی درگیر جنگ در یمن هستند؟

جنگ غزه و متحدی که از واکنش ایران ناراضی بود

با آغاز جنگ غزه، همراهی حوثی‌ها با ایران به آن‌ها امکان داد در مناقشه‌ای فراتر از مرزهای یمن حضور پیدا کنند و خود را مدافع فلسطینی‌ها معرفی کنند. حمله به اسرائیل و کشتی‌ها در دریای سرخ برای این گروه اعتباری در میان هوادارانش به همراه داشت و در عین حال، آن را در معرض حملات آمریکا و اسرائیل قرار داد.

خانم شجاع‌الدین معتقد است که از آن دوره، حوثی‌ها حتی از میزان همراهی تهران ناراضی بودند و انتظار واکنش شدیدتری داشتند: «حوثی‌ها هنگام ورود به جنگ غزه، ایرانی‌ها را با میزان بی‌پروایی و آمادگی‌شان برای پیش رفتن غافلگیر کردند؛ آن‌ها فراتر از چیزی رفتند که ایران تصور می‌کرد. به خاطر داشته باشید که ما دربارهٔ نسل نخست ایدئولوژیک این جنبش حرف می‌زنیم. آن‌ها بسیار جزم‌اندیش‌اند و ممکن است در تصمیم‌هایشان احساسی عمل کنند. به اندازهٔ ایرانی‌ها محاسبه نمی‌کنند و از ایران خشمگین بودند، چون واکنش ایران و متحدان و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه را کافی نمی‌دانستند».

حوثی‌ها به عنوان جنبشی که حتی کنترل کامل کشور را هم برعهده ندارد با محاسبات متفاوتی دست و پنجه نرم می‌کند و احتمالاً ملاحظات کمتری برای انجام اقداماتی که خانم شجاع‌الدین آن‌ها را «بی‌پروا» توصیف می‌کند روبه‌رو هستند.

شجاع‌الدین همچنین معتقد است رهبران حوثی نسبت به پیامدهای این حملات برای مردم مناطق تحت حکومتشان احساس مسئولیت کافی ندارند. به باور او، آمادگی بیشتر برای گسترش درگیری، تا حدی به همین کم‌اعتنایی به هزینه‌هایی مربوط می‌شود که جامعهٔ یمن متحمل خواهد شد.

در بررسی رفتار حوثی‌ها پس از حملات آمریکا و اسرائیل، نیز چنین محاسباتی قابل توجه به نظر می‌رسند.

توماس جونو استاد علوم سیاسی دانشگاه اتاوا کانادا و تحلیلگر مسائل خاورمیانه در مقاله‌ای برای مرکز صنعا در مارس ۲۰۲۶، تأخیر در ورود به جنگ ایران و محدود بودن حملات اولیه را تا حدی به خسارت‌هایی نسبت داد که حوثی‌ها پیش‌تر متحمل شده بودند. به باور او، نگرانی از تکرار آن حملات می‌توانست آن‌ها را به احتیاط وادار کند، حتی با وجود تمایل‌شان به حمایت از تهران.

در مراحل بعدی نیز ظاهراً تجربهٔ حملات متقابل بر رفتار گروه اثر گذاشت. توماس جونو در تحلیلی برای مرکز صنعا در مارس ۲۰۲۶، تأخیر حوثی‌ها در ورود به جنگ ایران و محدود بودن حملات اولیه را تا حدی ناشی از خسارت حملات پیشین آمریکا و اسرائیل دانست. از این منظر، همراهی با ایران می‌تواند با تصمیم مستقل دربارهٔ زمان و دامنهٔ مداخله همراه باشد؛ تصمیمی که با تغییر هزینه‌ها نیز تغییر می‌کند.

بیشتر در این باره:
افزایش فشارها بر تهران؛ چه سرنوشتی در انتظار گروه‌های نیابتی است؟



قدرت بیشتری که نیاز دو طرف را افزایش داده است

در سال‌هایی که حزب‌الله و موقعیت ایران در سوریه ضربه خوردند، حوثی‌ها توانستند دامنهٔ فعالیت خود را گسترش دهند. این تفاوت، به باور عزیزی، جایگاهشان را در شبکهٔ متحدان تهران تغییر داده است؛ تا جایی که او معتقد است اکنون می‌توان آن‌ها را مهم‌ترین گروه در محور موسوم به «مقاومت» دانست.

آقای عزیزی که کتابی درباره شبکه نیروهای متحد جمهوری اسلامی در منطقه با عنوان «محور مقاومت: ایران، اسرائیل و نزاعی برای خاورمیانه» نوشته، در توضیح بیشتر این وضعیت جدید چنین می‌گوید: «شرایطی که بعد از ۷ اکتبر رخ داد توجه ایران را بیشتر به گلوگاه‌های دریایی و گذرگاه‌های انرژی متمرکز کرد و نوعی شیفت از منطقه شامات به دریای سرخ و باب‌المندب صورت گرفت. حضور حوثی‌ها در ساحل دریای سرخ و نزدیکی باب‌المندب می‌تواند برای تهران امکانی فراهم کند تا هزینهٔ فشار بر خود را به مسیرهای دیگری از تجارت و انتقال انرژی منتقل کند».

برای ادامهٔ حملات در فاصله‌ای دور از یمن، حوثی‌ها همچنان به امکاناتی نیاز دارند که ایران در اختیارشان می‌گذارد. شجاع‌الدین تفاوت میان توان این گروه در داخل یمن و بلندپروازی‌های منطقه‌ای آن را چنین توصیف می‌کند: «حوثی‌ها می‌توانند بدون ایران به‌عنوان یک قدرت یمنی باقی بمانند، اما بلندپروازی‌های منطقه‌ای دارند که فارغ از ارتباطشان با ایران در خود این جنبش وجود دارد. ایران به آن‌ها کمک می‌کند به این اهداف برسند و بدون حمایت ایران نمی‌توانند چنین کاری کنند. پس از آنچه ایران در سوریه و لبنان از دست داد، حوثی‌ها برایش به ارزشمندترین متحد منطقه‌ای تبدیل شدند و حمایت از آن‌ها افزایش یافت».

اختلاف بر سر ادامهٔ حملات به عربستان، به گفتهٔ عزیزی، از جمله مواردی است که نشان می‌دهد تهران و رهبران حوثی ممکن است دربارهٔ ادامهٔ جنگ نظر یکسانی نداشته باشند: «انتظار در تهران این بود که حوثی‌ها مواضع‌شان را در غرب یمن تثبیت کنند و بعد از طریق مصالحه با قبایل در مناطق تحت کنترل دولت وابسته به عربستان، در روندی تدریجی جایگاه‌شان را گسترش دهند. اما آن‌ها پیشروی به مناطق جنوبی و حملات به عربستان را تشدید کردند. ایران ملاحظاتی دارد که رابطه‌اش با عربستان به نقطهٔ برگشت‌ناپذیر نرسد و ریاض به محور امارات و اسرائیل نزدیک نشود، اما حوثی‌ها ملاحظات متفاوتی داشتند».

بیشتر در این باره:
چرا ایران و نیابتی‌هایش عربستان سعودی را تحت فشار قرار می‌دهند؟



خواسته‌های یمنی در برابر توافق احتمالی ایران و آمریکا

سابقهٔ درگیری‌هایی که بین حوثی‌ها و ریاض رخ داده، باعث می‌شود تا محاسبات این گروه یمنی در خصوص این همسایه بزرگ و قدرتمند در صدر اولویت‌ها قرار گیرد و احتمالا نتیجهٔ جنگ با عربستان به آیندهٔ حکومت جنبش انصارالله مربوط شود. از آن جمله می‌توان به درآمدهایی که در اختیار خواهند داشت تا جایگاهی که در هر توافق سیاسی به دست می‌آورند اشاره کرد. در نتیجه درخواست احتمالی ایران برای توقف حملات، با مطالبه‌هایی روبه‌رو خواهد شد که بخشی از آن‌ها اساساً موضوع مذاکرات تهران و واشینگتن نیست.

عبدالغنی الاریانی، پژوهشگر مرکز صنعا، در تحلیلی در ماه اوت، احتمال داد که تلاش برای گرفتن توافق مطلوب از عربستان و نگرانی از معاملهٔ ایران و آمریکا به زیان حوثی‌ها، در تشدید فشار آن‌ها بر ریاض نقش داشته باشد.

در داخل یمن هم پیشروی نظامی ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو شود که حوثی‌ها را به مذاکره نیازمند نگه دارد.

خانم شجاع‌الدین با رد ایده‌هایی که از امکان کنترل کل یمن توسط حوثی‌ها سخن می‌گویند، می‌افزاید: «یمن افغانستان نیست. حوثی‌ها قوی‌ترین نیروی محلی‌اند، اما با جامعه‌ای مسلح و جغرافیایی وسیع روبه‌رو هستند. هرچه از منطقهٔ تأمین تدارکاتشان دور شوند، ضعیف‌تر می‌شوند. می‌توانند از نظر نظامی پیشروی کنند، اما تصور این‌که بتوانند جنوب را برای مدتی طولانی کنترل کنند، بسیار دشوار است».

به باور او، حوثی‌ها می‌خواهند جای دولت به‌رسمیت‌شناخته‌شدهٔ یمن را بگیرند و از عربستان برای غرامت و بازسازی تعهد مالی دریافت کنند. تا زمانی که رسیدن به این خواسته‌ها به ادامهٔ فشار نظامی و مذاکره با ریاض وابسته باشد، حفظ حمایت ایران نیز احتمالاً برای رهبران گروه اهمیت خواهد داشت.

شجاع‌الدین دربارهٔ چشم‌انداز این همکاری می‌گوید: «فکر نمی‌کنم ایران حوثی‌ها را رها کند یا حوثی‌ها ایران را نادیده بگیرند. آن‌ها با هم هماهنگ‌اند و به منافع یکدیگر کمک می‌کنند. برای ایران، حوثی‌های قدرتمند در یمن اهرمی بسیار ارزشمندند و برای حوثی‌ها هم مهم است که ایران یک قدرت منطقه‌ای قوی باقی بماند».

با گسترش قلمرو و توان نظامی حوثی‌ها، احتمالاً تهران نیز ناچار خواهد بود بیش از گذشته خواسته‌های این گروه را در تصمیم‌های منطقه‌ای خود در نظر بگیرد. حوثی‌ها ممکن است در مواردی برخلاف ترجیح ایران عمل کنند، اما برای حفظ موقعیتی که به دست آورده‌اند همچنان به حمایت آن نیاز دارند؛ همان‌طور که جمهوری اسلامی پس از تضعیف دیگر متحدانش، دلایل بیشتری برای حفظ این رابطه پیدا کرده است.

به نظر می‌رسد دو طرف ترجیح می‌دهند اختلاف بر سر شدت حملات یا زمان توقف آن‌ها را در چارچوب همین همکاری حل کنند. از این رو، توافق احتمالی ایران و آمریکا نیز اگر خواسته‌های حوثی‌ها در یمن را نادیده بگیرد، ممکن است با همراهی کامل آن‌ها روبه‌رو نشود.

این مطلب بخشی از:

ایران | بایگانی | فراتر از خبر

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.